

# طاق بسطان

۲

نگارش آقای فضل‌الله حقیق  
لیسانس دانشسرای عالی

«کلمان‌هوار» در تاریخ قدیم خود راجع بطاق‌بستان و عظمت صنعتی آن گوید: «... این حجاری گیرنده است، نمی‌توان آنرا تماشا کرد و در جزئیات آن دقیق شد بدون اینکه هیچانی در انسان تولید نکند. این فردی از سواره نظام ایرانست (اگر شاه هم باشد نوع اسلحهٔ سربازانش را دارد منتهی اسلحه قیمتی تر است) سواره نظامی که همواره رومی‌ها را مغلوب ساخته و در تحت اطاعت خسرو پرویز سوریه و فلسطین و مصر را مسخر نمودند و محلات خارجی شهر قسطنطنیه را هم مسخر کردند. این سوار جنگی و اسبش آهن پوش شده یعنی علاوه بر خود نودکداز مزین به نوارها و از زرهی کاملاً ملبس و مرکبش از زرّه مخصوص اسب پوشیده شده است. اسلحه او عبارت است از نیزه و تبر ولی معلوم نیست که کمند داشته باشد. کمند حلقه متحرکی داشته که سوار برای انداختن دشمن سواره بر روی خاک استعمال مینموده و طرز استعمال این اسلحه را البته خوانندگان شاهنامه بخوبی میدانند... لباسهای فاخر اشخاصیکه در شکار گاه هستند ترقی یارچه بافی و تزیین با پارچه‌های قیمتی را در آن موقع نشان میدهد. این کواه غیر قابل تردید ترقی صنعت نساجی شرقی را در اوایل قرون وسطی معرفی میکنند. لباس شاه از یک پارچه مزین بصور ازدهای بالدار و دورهٔ آن دارای نقش تاج است... در اینجا بطور وضوح نفوذ صنعت بیزانتین (دولت روم شرقی) بر روی بقایای صنعت یونانی که از زمان اسکندر باقیمانده مشاهده میشود، اما صنعتگرانی که اینکار را انجام داده‌اند ماهر نبوده‌اند. دیولافوا شباهت اصلی شاخه‌های نباتات سرستونها و نقشها بر کن خرمائی و هاری بیچی اینچهارا با نقشهای شوش ثابت نموده است. ۱»

\*\*\*

تا اینجا آنچه اطلاعات مفید از کتب جغرافیون و سیاحان و مورخین بزرگ اسلامی و ایرانی و اروپائی بدست آمد تذکر دادیم ولی اگر درست دقت شود قسمت مهم مشروح و توصیفی که این اشخاص راجع به این بنای نفیس تاریخی نموده‌اند یا ناقص و یا بواسطهٔ فقدان اطلاعات صحیح و کامل از ازبان و تاریخ قدیم ایران خالی از اشتباه نیست بناچار شرح مختصری راجع به حجاریهای زیبای طاق بستان میدهد و از اطناب و تفصیل اینمقاله یوزش میخواید.

در بارهٔ بزرگترین و بهترین حجاریهای این طاق که تصویر خسرو دوم معروف پرویز و اسب او شب‌دیز است هیچگونه شك و تردیدی نیست و عموم نویسندگان و محققین بزرگ متفقاً بر این عقیده‌اند و قراین و شواهد تاریخی بقوت هر چه تمام تر این رای را ثابت نموده است. لوئی دو بو سیاح و مستشرق فرانسوی گوید «مجسمهٔ خسرو پرویز که سوار بر شبدیز است بین دو ستون یونانی ساخته شده و دو کتیبه یکی بخط یونانی و دیگری بخط پهلوی در طرفین آن وجود دارد ولی بقدری

این دو کتیبه مجوشده بود که کریرتر (سیاح فرانسوی قبل از وی) بیش از یکی دو حرف از هر کتیبه‌ای نتوانسته بود پیدا کند. «از این کتیبه‌ها اینک هیچگونه اثری نیست ولی جای یکی از آندو پیداست و پیداست که در ایام حکومت قاجاریه و بی‌صاحبی ایران بدست حجاری تراشیده و صاف گردیده. در این حجاری قشنگ پای راست خسرو و پای راست شبدیز هر دو شکسته شده است و انسان از دیدن این آسیب و تعرض وحشیانه که بدست مردم متعصب عرب وارد آمده است بی‌اختیار متاثر و غمگین می‌شود ولی حق با مردم صاحب‌دل باذوق است که گفته‌اند هنوز هم بدین شکستگی ارزد بصد هزار درست. امری که تعجب آور است اینست که عموم نویسندگان و سیاحان بزرگ از ابتدای اسلام تا اواسط دوره قاجاریه هیچکدام اشاره باین نقیصه و آسیب تصاویر یرویز و شبدیز ننموده‌اند و حتی سرجان ملک‌مک که در ۱۲۱ هجری یا ۱۸۰۰ میلادی این آثار را دیده و یادداشت‌های خود را برشته تالیف در آورده هیچ ذکری از این نقایص نمی‌نمایند و مولف مرآت البلدان برای اولین بار اشاره بشکسته شدن پای راست یرویز و شبدیز نموده و بخاطر میگذرد شاید پای شبدیز در نیمه اول دوره حکومت قاجاریه در فاصله زمانی بین گفته‌های ایندو نویسنده بدست مردم متعصب خشک‌منز این تعرض وحشیانه را دیده است. ولی حقیقت امر آنست که اعراب پس از فتح مداین و تسلط بر ایران بعات آنکه خسرو نامه حضرت رسول را پاره نمود صورت خسرو را که سوار بر شبدیز است و پای راست و هر دو دست خسرو و پای شبدیز را شکسته و صورت خسرو را در تصاویر سه گانه بالا بکلی محو ساختند در صورتی که هیچ آسیبی به حجاریهای مردوزن و دو طرف خسرو نرسانده‌اند. تصاویر سه گانه برجسته بالای این حجاری عالی که مورد اختلاف گویندگان است با توجه بیک واقعه تاریخی کاملاً واضح و روشن میشود.

در زمان هرمز چهارم سردار معروف ساسانی بهرام چوبین تر که‌ها را شکست سخت داد و پادشاه نالایق ساسانی از نوکران گردید و فوراً او را بچنگ رومیان فرستاد ولی بهرام در این جنگ شکست خورد و هرمز که مقصودی جز توهین او نداشت از این شکست بهرام خشنود گردید و مقداری لباس زنان و دوک نخ‌ریسی برای تحقیر بیش او فرستاد (که تورالیافت سرداری نیست باید لباس زنان پوشی و دوک ریسی یا پیشه زنان پیش گیری) سیاهیان ایران از این حرکت بیجای شاه رنجیده و بکمک بهرام برای فتح پایتخت و دستگیری شاه حق ناشناس ساسانی حرکت کردند و اتفاقاً بوصول این خیر مردم پایتخت هم شوریدند. هرمز فراری شد و کمی بعد دستگیر و کور شده بقتل رسید و پسرش خسرو دوم معروف یرویز بر تخت سلطنت نشست و نامه‌ای بهرام نوشت و او را بدربار احضار کرد و بزرگترین مقام درباری را با او عهده داد. بهرام جواب موهنی فرستاد و گفت باید خسرو آمده عذر بخواند. بناچار جنگ در گرفت و خسرو یرویز شکست خورده بروم رفت و رومیها از وی پذیرائی شایان نمودند در این موقع مریس «Mauris» امپراطور روم از لحاظ سیاسی حاضر بمساعدت وی گردید و قرار شد خسرو یرویز از منستان ایران و شهر معروف دارا را که بر اثر جنگها ۴۷ ساله رومیان نتوانسته بودند از انوشیروان باز گیرند با آنها بازدهد و مریس در عوض ۷۲ هزار سیاهی برای استرداد تاج و تخت بدوسیرد، سیاهیان رومی بسرداری خسرو بهرام چوبین را که بتخت سلطنت نشسته بود شکست دادند و کمکهای متوالی رومیها و رشادت نارسس سردار مشهور رومی در جنگ دوم که در کردستان واقع شد بهرام را بکلی مغلوب و بترکستان فراری نمود. بر اثر این مساعدت و یاری دشمنی بین ایران و روم که از اواسط دوره اشکانی تا جوس خسرو یرویز همواره برقرار بود در این موقع بصلح و صفای کامل مبدل گشت زیرا هر دو طرف بر آنچه کمال مطلوب آنان بود رسیده بودند در این موقع برای نزدیکی

و ارتباط بیشتر و فراموشی کینه‌های قدیم خسرو دختر مریس امپراطور روم را که ماری نامداشت بزنی گرفت و این امر بیشتر بر کمال صمیمیت و حسن ارتباط طرفین افزود و نامریس حیات داشت دوستی ایشان روز بروز موکدتر میگشت. ولی در ۶۰۳ میلادی مریس را کشتند و فرزند او بطلب حمایت بیش خسرو آمد و لیلی بوس نماینده فکاس امپراطور جدید روم نیز در محل طاق بستان بخدمت خسرو رسید. و تقاضای شتاسائی سلطنت امپراطور جدید را نمود. خسرو بیاس مراحم دیرینه مریس امپراطور، قبول فکاس را با امپراطوری روم نشناخت و بوصفی که در تاریخ ایران میدانیم بجنک و فتح بلاد رومی پرداخت و فتوحات خود را از آن موقع آغاز نمود.

تصاویر سه گانه بالای صورت شب‌دیز و پرویز بطوریکه از طرز لباس و کلاه و تزیینات و شواهد تاریخی برمی آید متعلق باین سه نفر است. در وسط خسرو پرویز ایستاده و در طرف چپ او مریس امپراطور روم و در طرف راست خسرو مریم زن اوست که اکثر باشیرین آنرا اشتباه می کنند. این زن در یکدست تاج سلطنت و در دست دیگر جامی از می دارد - خسرو پرویز در میان ایستاده در حالیکه یکدستش بشمشیر و دست دیگرش بدست مریس است و هر دو حلقه‌ای را در دست گرفته‌اند که علامت يك جهتی و اتحاد است.

دو بو سیاح سابق الذکر فرانسوی بنقل از کربرت سیاح قبلی و هموطن خود گوید : (لباسهاییکه در تن مردوزن طرفین این تصاویر سه گانه دیده میشود انسان را بیاد و یکتوارا مجسمه فتح و رنومه ؟ مجسمه شهرت رومیها میاندازد) و این نقشه شاید خود دلیل کوچکی بر صحت رای فوق باشد و چون مطابق روایات مشرق زمینها خسرو پرویز و زوجه اش بسکونت در کرمانشاهان (باغ شاهان) بسیار علاقه مند بوده‌اند بامر آنان این آثار گرانبهای صنعتی در این محل ساخته شده است. در دو طرف این حجاریهای عالی دو مجلس شکار در روی سنگ رسم کرده‌اند که منتهای قدرت و زبردستی صنعتی در تصویر حالات و روحیات حیوانات و صحت و طبیعی بودن اشکال و تصاویر آنها بکار برده شده است.

در همین طاق بزرگ در طرف راست شکار گاه مجللی از آهوان بر روی سنگ کوه حجاری شده است. خسرو پرویز با ۱۰ نفر از پیادگان همراه و یکدسته مردمی که بر فیلان سوارند؛ شکاربری مشغولست. در این شکار گاه ۹ زنجیر قیل دیده می شود که بر هر فیالی ۳ نفر نشسته‌اند، و این ۷۰ نفر مردمی که در این شکار گاه سلطنتی میان خدمت بسته‌اند جمیع حیوانات و شکارهای این میدانرا که قریب صد عدد بشمار است بسه نقطه معین میرانند و مخرج هر محوطه را دو نفر بیاده حفظ میکنند و این شکارها را بالاخره در وسط جمع مینمایند. خسرو پرویز سوار است در یک طرف این شکار گاه ایستاده و منتظر شکار است در حالی که کمانی بیهلو انداخته و شمشیری در یک طرف آویخته و شخصی چتری بالای سر او دارد. سواران مشغول شکارند و لاشه‌های صیدشان را بطرف چپ میدان برده و از آنجا با شتران بعمارت سلطنتی حمل میکنند. در این گیرودار جمعی از مغان و رامشگران سلطنتی با چنگهای ۱۰ سیمی خود که گویا مانند است می نوازند و جمعی دیگر برای تفریح در محل ترفعی ایستاده بر امشگری و نواختن الحان موسیقی مشغولند.

در دیوار طرف چپ این طاق بزرگ يك منظره بسیار زیبایی از شکارگاه خوك رسم شده است. در این میدان قریب ۱۲ زنجیر فیل شکارها را به محل بن بستنی می رانند. در این شکارگاه قریب ۱۵۰ خوك و گراز دیده میشود و گویا در مقابل شکارگاه بری این شکارگاه بحری خسرو بوده است زیرا زمینش باتلاقی است و خسرو پرویز در قایقی نشسته و شکارها را با تیر می زند و یکی از رامشگران در زورق شاه نشسته می نوازد و شخص دیگری در زورق شاه نشسته و دائماً تیری تقدیم شاه می دارد. در این میدان بخلاف شکارگاه مقابل جز شخص پادشاه دیگری در امر شکار مداخله ندارد و کنار این میدان چند نفر بر پشت پنج فیل سواراند و تا شکاری بر زمین افتد فوراً او را بمحوطه مخصوص در طرف راست میدان می برند و در آنجا امعاء و احشاء او را خارج ساخته شکارها را بسرای سلطنت می برند. مغنیان و رامشگران از زن و مرد در قایقها نشسته مشغول نواختن میباشند. خلاصه آنکه ۷۵ نفر مرد و زن در این میدان به خدمت گزاری مشغولند و جمعی بکار پارو زدن سرگرم و پاروهای آنها بطرز خاصی است که هیچ شباهت یا پاروهای فعلی ندارد. بالای این شکارگاه پنج نفر در قایقی نشسته و دست می زند تا این خوکها ترسیده فرار کنند و پادشاه با کیف و سرور مخصوصی آنها را شکار سازد. قسمت بالای همین شکارگاه آقاغنی نامی کیلانی رئیس خواجه سرا بان محمد علی میرزا دولت شاه فرزند ارشد فتحعلی شاه بامر مخدوم خود تصویر شاهزاده مزبور و دو فرزندش را با صورت مکروه خویش برجسته رسم نموده و گویا قسمتی از تصاویر طاق را محو نموده است تا این منظور دولت شاه را عمای سازد. شاید که بهات همجواری پادشاهنشاه عظیم الشان ساسانی نام اونیز با شماریکه در آنجا حاکم شده پایدار ماند. غافل از آنکه مورد طعن و توبیخ اروپائیان و مردم زنده دل بعد می گردد. این تصاویر بقدری زشت و بد ساخته شده است که سازنده مجبور برنگین ساختن آن شده و حقیقت آنکه ارزش صنعتی حجارهای طاق را پائین آورده و لکه دار ساخته است.

در بیرون این طاق بزرگ در قسمت سردر تصویر دو ملائکه در سنگ کشیده شده است و بقول یکی از مستشرقین موی سر ایندو ملائکه بشکل موی سرفوستین امپراطریس روم حجاری شده و ما بطوریکه بعد خواهیم دید این امر بر اثر نفوذ ذوق و طرز حجاری و معماری یونان در تمدن و حجاری ایران در عهد خسرو پرویز بوده است. ایندو ملائکه هر کدام در یک دست تاج و در دست دیگر ساغری از می دارند. انسان وقتی که وارد این طاق میشود از دیدن هیولای مهیب و با عظمت شبیذ مخصوصاً از نظاره این دوشکارگاه بی اندازه مبهوت می شود. بقدری در حجاری این حیوانات کوچک و تجسم حالات روحی و طبیعی بودنشان قدرت و اعجاز نشان داده اند که حلدی بر آن متصور نیست. از مشاهده این تصاویر انسان بی اختیار عظمت و جلال ایران عهد خسرو پرویز را بخاطر می آورد و شکوه دربار و قشون او از نظر شخص میگذرد زیرا محاصره شهر قسطنطنیه بدست شاهین و تصرف مصر از طرف شهر بر از سرداران مر و ف پرویز و فتح محلات خارجی شهر قسطنطنیه دوسه روزی بیش نمانده بود تا این پایتخت دولت روم شرقی یا آخرین یادگار تمدن و اعتبار رومی از صفحه روزگار محو شود و ایرانی همانطور که دولت های آشور و کلد و مصر را برای همیشه از صفحه روزگار محو نمود این آخرین رقیب دیرین خود را نیز از نعمت هستی محروم سازد.